



فراخوان اساطیر در آثار بهزاد کرمانشاهی

خلیل بیگزاده^۱، زهرا نظری^۲^۱دانشگاه رازی، kbaygzade@yahoo.com
^۲دانشگاه رازی، zahanazari2021@gmail.com

چکیده

فرهنگ ایرانی دارای اسطوره‌های هنری و ادبی است که همانند ریشه‌هایی آن را محکم و استوار نگه داشته و مانع از فراموشی و گسست فرهنگی است. ویژگی‌های اسطوره حرکت پنهان و آشکار در طول زمان و مکان و تبدیل شدن آن به یک الگو برای تکرار و تکثیر است.

بازتاب عناصر اساطیری در شعر بهزاد کرمانشاهی یک مشخصه سبکی است، که در آفرینش تصویرهای بیانی و معانی تازه، کارکرد بسامدی قابل توجهی دارد. این مقاله با هدف تبیین شگردهای تجلی عناصر اساطیری در شعر بهزاد کرمانشاهی سامان یافته است. عشق به انسان و همراهی با او در شادی‌ها و شکست‌ها، یکی از خصوصیات برجسته شعر اوست، که به شعرش هویت انسانی- اسطوره‌ای بخشیده است. در این مقاله، تجلی اسطوره در شعر بهزاد در چهار شاخه بررسی شده است: تجلی عناصر انسانی، تجلی عناصر حیوانی، تجلی عناصر جمادی.

شیوه‌ی تحقیق در این مقاله: توصیفی و تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است. در این زمینه مقاله یا کتابی تحت عنوان فراخوان اساطیر در آثار بهزاد کرمانشاهی یافت نشد.

کلید واژه: تجلی اسطوره- کهن الگو- شعر - بهزاد کرمانشاهی

مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

ضمیرناخودآگاه جمعی «سراغاز جدایی یونگ از استادش فروید به شمار می‌آید. فروید در مطالعات خود، روان آدمی را به سه بخش (ناخودآگاه)، (نیمه خودآگاه) و (خودآگاه) تقسیم می‌کند. که این سه بخش زیر سیطره (اصل لذت)، (اصل اخلاق) و (اصل واقعیت) قرار دارند. فروید معتقد است ضمیر ناخودآگاه، خودبسنده و فردی است و عمده رفتار و منش آدمی را در بزرگسالی رقم می‌زند. اما یونگ معتقد است علاوه بر فردی و خودبسنده بودن ضمیر ناخودآگاه، جمعی نیز بوده که از گذشته‌ی مشترک اینای بشر در روان آدمی به ارث رسیده است میراثی روانی است که از بدو تولد در ذهن کودک جای دارد.» {۱}

تصویراتی که تنها ریشه در ناخودآگاه فردی ندارند و لازم است خاستگاه آن‌ها را در گذشته ناخودآگاه مشترک و موروثی به ناخودآگاه جمعی تعبیر کرده است و تصاویر همگانی نهفته در آن را که به صورت اسطوره تجلی می‌یابند به واسطه‌ی زبان رمز و نماد در آثار هنری بروز می‌یابند (کهن الگو) می‌نامد.

۲-۱ تجلی کهن الگو در آثار ادبی:

همان طور که قبلاً گفتیم، اساطیر، پیکره‌هایی‌اند از صور مثالی که از ضمیر ناخودآگاه برون می‌آیند و در ضمیر خودآگاه متجلی و بیان می‌شوند و در واقع سرایش شعر طبق این تعریف، نوعی تجلی ناخودآگاه شاعر در خودآگاه اوست. بادکین در کتاب ارزشمند صورکهن الگویی در شعر و خصوصاً شعر تراژیک می‌گوید: مضامینی وجود دارند که واجد شکل والگویی خاص بوده و از هر دوره و زمانه‌ی دیگر جاری و ساری هستند و همسان با الگو یا چارچوب‌های عاطفی ذهن افرادی عمل می‌کنند که با این مضامین سروکار دارند. این الگوها بر روح و روان موجود زنده نقر و حفر شده و در ساختار مغز به ارث گذاشته شده‌اند. {۲}

زمانی که شاعری بزرگ از داستان‌ها و اساطیری که در قوه‌ی خیال جامعه‌اش نقش گرفته، بهره می‌گیرد فقط احساس فردی خودش را به عینیت در نمی‌آورد. «شاعر یعنی کسی که نسبت به واژه‌ها و تصاویری که مبتنی تجربه‌ی عاطفی جامعه‌اش است حساسیت نامتعارف به خرج می‌دهد. از این داستان‌ها برای بهره‌گیری از قدرت برانگیزانندگی قوی آن‌ها استفاده می‌کند و از همین روست که ابزار شاعرانه، بهترین تجلی‌گاه تحقق الگوهای عاطفی مستقر در زندگی‌های فردی و خود شعر نیز مهم‌ترین محلّ تفحص و تحقیق در باب تجربیات مشترک انسان معاصر با کهن الگوهای نسل گذشته به شمار می‌آید.» (همان: ۸). اسطوره به هر نحو که در آثار ادبی تجلی کند، یکی از اجزای اثر ادبی قلمداد می‌شود که باید در کنار سایر اجزاء در خدمت ساختار کلی اثر قرار بگیرد. در شعر کلاسیک فارسی، کاربرد کهن الگوها بیشتر جنبه‌ی تلمیحی دارد. اما در شعر نو، شاعر می‌کوشد با ارائه‌ی قرائتی نقادانه، چهره‌های هنری و خلاقانه‌تر از کهن الگوها ارائه دهد. بررسی شعر کلاسیک فارسی به روشنی نشان می‌دهد که «محور عمودی خیال همواره ضعیف و دور از خلق و ابداع بوده و در عوض شاعران تا توانسته‌اند در محور افقی خیال تصویرهای تازه به وجود آورده‌اند.» {۳} به عبارت دیگر تصاویر اسطوره‌ای و کهن‌الگویی چندان که باید در تاروپود شعر تنیده نشده‌اند و بیشتر جنبه‌ی تزئینی دارند. اما در شعر نو، تحقق کلیت و یکپارچگی شعر و پیوند خیال‌ها و اسطوره‌های پراکنده در شعر و حفظ و تداوم صمیمیت عاطفی گوینده در محور عمودی خیال صورت می‌گیرد.

۳-۱ اسطوره:

واژه‌ی اسطوره «یعنی mythe مشتق از maythus لاتینی و mythos یونانی است. بنا بر سخن کهن یونان باستان، mythos به معنای گنگ و بی‌زبان و خاموش، متضاد -logos به معنای کلمه، بیان، کلام ظریف، عقل و خرد بود.» {۴} در اصطلاح اسطوره: افسانه‌ها و روایت‌هایی است که سینه به سینه در میان مردم یک کشور، نقل می‌شود و از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر منتقل می‌شود. از آن‌جا که این روایات برای مردم ارزشمند و قابل احترام